

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پچیدگی اقتصادی

در کشورهای منا و کشورهای جی - هشت

مؤلف :

فرشته رحیمی

دبیر و مدرس دانشگاه

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۲)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

chaponashr.ir

سرشناسه: رحیمی، فرشته، ۱۳۶۸-
عنوان و نام پدیدآور: پیچیدگی اقتصادی در کشورهای منا و کشورهای جی-
هشت / مولف فرشته رحیمی.
مشخصات نشر: ارسطو (سامانه اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری: ۷۸ص.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۳۹-۴۳۷-۹
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: کتابنامه: ص. ۶۹ - ۷۴.
موضوع: اقتصادسنجی -- کشورهای گروه هشت -- نمونه پژوهی
Econometrics -- Group of Eight countries -- Case studies
اقتصادسنجی -- کشورهای منا -- نمونه پژوهی
Econometrics -- MENA (Middle East and North Africa)
countries -- Case studies

رده بندی کنگره: HB۷۴
رده بندی دیویی: ۳۳۰/۰۱۸۲
شماره کتابشناسی ملی: ۹۴۲۹۹۰۷
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

نام کتاب: پیچیدگی اقتصادی در کشورهای منا و کشورهای جی-هشت

مولف: فرشته رحیمی

ناشر: ارسطو (سامانه اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران)

صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۲

چاپ: زبرجد

قیمت: ۶۴۰۰۰ تومان

فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان:

<https://chaponashr.ir/ketabresan>

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۳۹-۴۳۷-۹

تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵

www.chaponashr.ir



چو که تو با علم و شناختی

بگذر ز آفت نیربختی

تقدیم به

جویندگان راه علم و بصیرت

فهرست مطالب

چکیده	۹
مقدمه	۱۱
فصل اول	۱۵
۱. مبانی نظری	۱۵
۱-۱- دانش و رشد اقتصادی	۱۵
۱-۲- پیچیدگی اقتصادی	۲۰
۱-۳- محور آموزش و نیروی انسانی	۲۴
۴-۱- مقایسه رتبه شاخص پیچیدگی اقتصادی کالاها	۲۵
۱-۵- تصویری از کشورهای منطقه منا	۲۶
۱-۶- تصویری از کشورهای منطقه جی- هشت	۲۶
۱-۷- سرمایه انسانی	۲۷
۱-۸- توسعه انسانی	۲۹
فصل دوم	۳۱
پیشنه پژوهش	۳۱
فصل سوم	۳۹
۳- متدلوژی و مدل تحقیق	۳۹
۳-۱- روش پژوهش	۳۹
۳-۲- مدل پژوهش و معرفی متغیرها	۵۰

فصل چهارم ۵۳

تخمین و تفسیر نتایج ۵۳

تخمین و تفسیر نتایج شاخصهای مورد بررسی در کشورهای منات ۵۳

۴-۱- آزمون مانایی ۵۴

۴-۲- آزمون هم‌انباشتگی ۵۶

۴-۳- تخمین مدل پژوهش ۵۷

۴-۴- آزمون سارگان ۵۹

۴-۵- آزمون همبستگی آرلانو- باند ۵۹

* تخمین و تفسیر نتایج شاخصهای مورد بررسی در کشورهای جی هشت

..... ۶۱

۳-۴- آزمون سارگان ۶۲

۳-۵- آزمون همبستگی آرلانو- باند ۶۳

فصل پنجم ۶۵

نتیجه‌گیری ۶۵

منابع ۶۹

پیوست ۷۵

چکیده

رشد و توسعه اقتصادی و عوامل مؤثر بر آن همواره از اهداف اصلی سیاست‌گذاران اقتصادی بوده است. نظریه‌های اولیه رشد با تکیه بر دو عامل سرمایه و نیروی کار نتوانست تفاوت سطح درآمد سرانه و میزان رشد اقتصادی کشورها را به خوبی توضیح دهد. در نتیجه نظریه‌های جدید رشد ظهور پیدا کرده و با تکیه بر اقتصاد دانش بنیان و اندازه‌گیری میزان دانش به کار رفته در تولیدات یک کشور شاخص‌هایی نظیر شاخص پیچیدگی اقتصادی توفیقات خوبی در این زمینه بدست آمد. هدف این مقاله، تبیین نقش شاخص پیچیدگی اقتصادی در کنار سایر متغیرهای سنتی رشد، در رشد اقتصادی ۱۳ کشور منتخب حوزه‌ی MENAT در سال‌های ۲۰۱۷-۲۰۰۸ با استفاده از داده‌های پانل و با بهره‌گیری از مدل گشتاورهای تعمیم یافته (GMM) به کمک نرم‌افزار Stata 16 می‌باشد. بر اساس نتایج به دست آمده، به ترتیب متغیرهای: اندازه‌ی دولت، سرانه تشکیل سرمایه فیزیکی و حجم تجارت با ضرایب -۱.۱۶ ، -۰.۰۶ و -۰.۳۳ دارای تاثیر منفی، سرمایه انسانی و شاخص پیچیدگی اقتصادی به ترتیب با ضرایب ۰.۱۲ و ۰.۰۷۴ دارای ضرایب مثبت و معنی‌دار بر رشد اقتصادی کشورهای مورد مطالعه بودند. بنابراین افزایش سرمایه‌گذاری در تربیت نیروی انسانی نوآور و خلاق، و گسترش پیچیدگی اقتصادی و شاخص‌های آن می‌تواند

رشد اقتصادی بالاتری برای این منطقه به ارمغان آورد. ضریب پایین شاخص پیچیدگی اقتصادی در این کشورها بیانگر عدم توجه کشورهای مذکور به تولید محصولات با فناوری بالا بوده است. در ادامه تخمین و تبیین نقش شاخص پیچیدگی اقتصادی در رشد اقتصادی ۸ کشور منتخب حوزه‌ی G8 برای ۱۰ سال (۲۰۱۷-۲۰۰۸) با استفاده از داده‌های پانل و با بهره‌گیری از مدل گشتاورهای تعمیم یافته (GMM) به کمک نرم‌افزار Stata ۱۶ می‌باشد. بر اساس نتایج به‌دست آمده به ترتیب متغیرهای: سرمایه انسانی و شاخص پیچیدگی اقتصادی به ترتیب با ضرایب $1/86$ و $1/082$ دارای ضرایب مثبت، اندازه‌ی دولت، تشکیل سرمایه فیزیکی و حجم تجارت با ضرایب $0/82$ ، $1/009$ و $1/019$ تاثیر مثبت، و معنی‌دار بر رشد اقتصادی کشورهای مورد مطالعه داشته‌اند. بنابراین کشورهای مورد مطالعه در راستای افزایش سرمایه‌گذاری در تربیت نیروی انسانی نوآور و خلاق و گسترش پیچیدگی اقتصادی و شاخص‌های آن توانسته‌اند رشد اقتصادی بالاتری برای این منطقه به ارمغان آورند. ضریب بالای شاخص پیچیدگی اقتصادی در این کشورها بیانگر توجه کشورهای مذکور به تولید محصولات با فناوری بالا بوده است.

مقدمه

اقتصاد جهانی طی دهه‌های گذشته پیچیده‌تر شده است. با این وجود، کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا از نظر پیچیدگی اقتصادی، از کشورهای دیگر بسیار عقب مانده‌اند. در نظریه‌های جدید رشد اقتصادی، دانش به عنوان یک عامل اصلی ایجاد کننده تفاوت در رشد اقتصادی کشورها معرفی می‌شود. برای اندازه‌گیری این متغیر بر رشد اقتصادی، شاخص‌های مختلفی معرفی شده‌اند. اما یکی از جدیدترین این شاخص‌ها که منعکس کننده‌ی میزان دانش لحاظ شده در ساختار تولیدی و اقتصادی یک کشور است، شاخص پیچیدگی اقتصادی^۱ (ECI) است. پیچیدگی اقتصادی، یک شاخصه مهم با تأثیرات قابل توجه بر رشد و توسعه است. به منظور طراحی و اجرای سیاست‌های مؤثر در جهت افزایش توانایی تولید و متنوع‌سازی محصولات این کشورها، درک عوامل اساسی این مفهوم مهم بسیار حائز اهمیت است. نتایج نشان می‌دهد که؛ سرمایه انسانی با پیچیدگی اقتصادی رابطه‌ای تنگاتنگ داشته، در حالی که موهبت وجود منابع طبیعی در این کشورها تأثیر منفی بر پیچیدگی اقتصادی و رشد و توسعه خواهد داشت. تحولات موجود در اقتصاد جهانی در چند دهه گذشته برای کشورهای در حال توسعه فرصت‌ها و چالش‌هایی ایجاد کرده

1. *Economic Complexity Index*

است. در حالی که برخی از کشورها موفق به سازگاری با شرایط متغیر و بهره‌برداری از فرصت‌ها شده‌اند، برخی دیگر نتوانسته‌اند با تغییرات روبرو شوند و حفظ نرخ رشد پایدار برای آن‌ها دشوار است. در سیستم اقتصادی پیچیده‌تر و جهانی‌تر امروز، اتخاذ شیوه‌های جدید تولید برای ورود به عرصه‌ی رقابت جهانی حائز اهمیت است. اخیراً، تعدادی از مطالعات بر اهمیت افزایش توانایی‌های تولیدی و متنوع‌سازی محصولات، بر رشد و توسعه اقتصادی تأکید کرده‌اند. بر این اساس هیدالگو و هاسمن^۲ (۲۰۰۹) یک روش جدید برای ارزیابی توانایی تولید یک کشور ارائه داده‌اند و آن را با ادبیات پیچیدگی اقتصادی مطرح نمودند. در حقیقت پیچیدگی اقتصادی مفهومی است که دانش و توانایی‌های تولیدی یک کشور را از طریق تولیدات صادراتی آن کشور مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد. این بدان معنی است که کشورهایی که قابلیت تولید بیشتری دارند پیچیده‌تر هستند و می‌توانند محصولات متنوع و پیشرفته‌تری تولید کنند. پیچیدگی اقتصادی می‌تواند مزایای مهم مختلفی را برای یک کشور خاص به بار آورد و شواهد تجربی قوی وجود دارد که نشان می‌دهد، پیچیدگی اقتصادی رشد اقتصادی را افزایش خواهد داد (هاسمن و همکاران، ۲۰۱۴). درک عوامل تعیین‌کننده پیچیدگی اقتصادی از اهمیت ویژه‌ای برای کشورهای MENAT^۳ برخوردار است که در راستای ادامه تحولات سریع اقتصاد جهانی با چالش‌های بسیاری از جمله، نرخ رشد کم و بی‌ثبات، بهره‌وری پایین، بیکاری مزمن، ادغام ضعیف با سایر نقاط جهان، وابستگی به منابع طبیعی، صادرات کم در بخش غیرنفتی و عدم اصلاحات نهادی اغلب به عنوان اصلی‌ترین موانع ساختاری برای این گروه کشورها ذکر شده

2. Hidalgo and Hausman

3. Middle East and North Africa and Turkey

است (عابد و داوودی، ۲۰۰۳). در نتیجه، پیچیدگی اقتصادی ممکن است یک برنامه مهم برای این منطقه باشد. با این حال، نگاه دقیق‌تر به داده‌ها نشان می‌دهد که، این گروه از کشورها به طور کلی از نظر پیچیدگی اقتصادی از کشورهای دیگر عقب مانده‌اند، به این معنی که ساختار تولید آن‌ها به اندازه کافی متنوع نیست. علاوه بر این، اتکا به فقط چند محصول ممکن است تأثیرات منفی زیادی بر اقتصاد بگذارد، از جمله تخصیص ناکارآمد منابع و آسیب‌پذیری در برابر شوک‌های خارجی. چنین خطراتی برای کشورهای صادرکننده نفت که به دلیل اتکا به منابع طبیعی، انگیزه محدودی برای متنوع‌سازی دارند، حتی بیشتر مشهود است. سیاست‌گذاران در این کشورها از این مسئله آگاه هستند که با کاهش ذخایر نفت، حفظ رشد، ایجاد اشتغال و ایجاد درآمد برای دولت‌ها دشوارتر خواهد شد. با تولید بیشتر کالاهای مشابه این اهداف حاصل نمی‌شود بلکه فقط با یک تحول ساختاری به سمت تولید محصولات پیشرفته‌تر موارد فوق میسر می‌گردد (یلدریم^۴، ۲۰۱۳). به دلیل اهمیت بسزایی که این شاخص بر رقابت‌پذیری در عرصه‌ی بین‌الملل و رشد اقتصادی کشورها دارد، در این مقاله، هدف تبیین نقش شاخص پیچیدگی اقتصادی در کنار سایر متغیرهای سنتی رشد از جمله، سرمایه انسانی، سرانه تشکیل سرمایه فیزیکی، حجم تجارت و اندازه‌ی دولت بر رشد اقتصادی ۱۳ کشور از ۲۰ کشور منتخب حوزه‌ی منات (الجزایر، مصر، ایران، فلسطین، اردن، کویت، لبنان، مراکش، عمان، عربستان سعودی، امارات متحده‌ی عربی، یمن و ترکیه) که اطلاعات مربوط به آن‌ها در دسترس است، برای سال‌های

۲۰۰۸-۲۰۱۷ با استفاده از داده‌های پانل و با بهره‌گیری از مدل گشتاورهای تعمیم یافته^۵ (GMM) می‌باشد.

فصل اول

۱. مبانی نظری

۱-۱- دانش و رشد اقتصادی

مدل‌های رشد در شش دهه‌ی گذشته، دچار تحولات فراوانی شده است. در الگوهای رشد نئوکلاسیک، نرخ رشد اقتصادی، ثابت و برابر با نرخ رشد پیشرفت تکنولوژی در نظر گرفته شده است؛ بنابراین، با توجه به برونزا بودن نرخ پیشرفت تکنولوژی و فرض بازدهی نزولی عوامل، نرخ رشد اقتصادی برونزا و ثابت در نظر گرفته می‌شود و مستقل از پارامترهای ترجیحات، تابع تولید و رفتار متغیرهای سیاستی بوده است. سولو^۶ (۱۹۱۶) رفتار تولید را بر اساس سرمایه‌ی فیزیکی، نیروی کار و رشد تکنولوژی تحلیل کرده است. اما، در الگوی سولو، رشد تکنولوژی برونزا در نظر گرفته شده و همین امر، باعث همگرایی رشد درآمد سرانه در کشورهای با شرایط مشابه که از نتایج الگوی سولو بوده است، محقق نشود. هرچند در آن سال‌ها، اندیشمندان دیگری هم بودند که تفاوت در درآمد سرانه‌ی

6. Solow